



نشریه بسیج اساتید
دانشگاه علم و صنعت ایران

آیا این ظلم به دانشگاه و دانشگاهیان علم و صنعت نیست؟

ماجرای کرسنت به زبانی ساده

منتقدان در قاموس آقای روحانی

به مناسبت سالگرد آغاز جنگ تحمیلی و
دفاع مقدس

جایگاه خدا در جهان

بیانیه بسیج اساتید دانشگاه به مناسبت آغاز سال تحصیلی

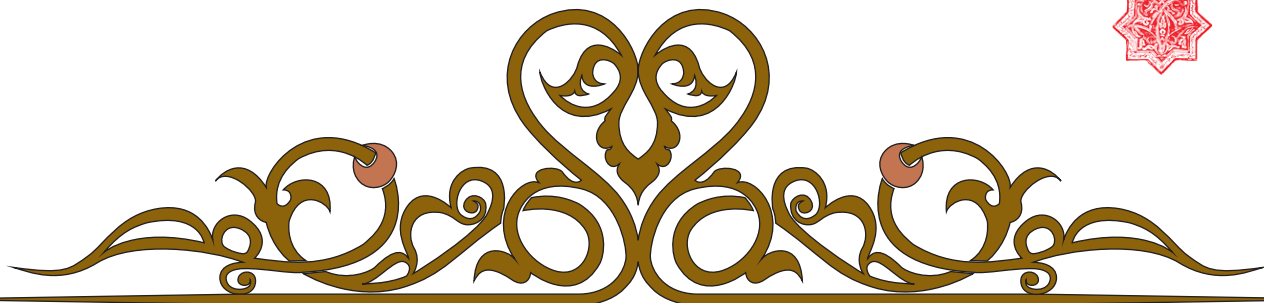


انتصاب

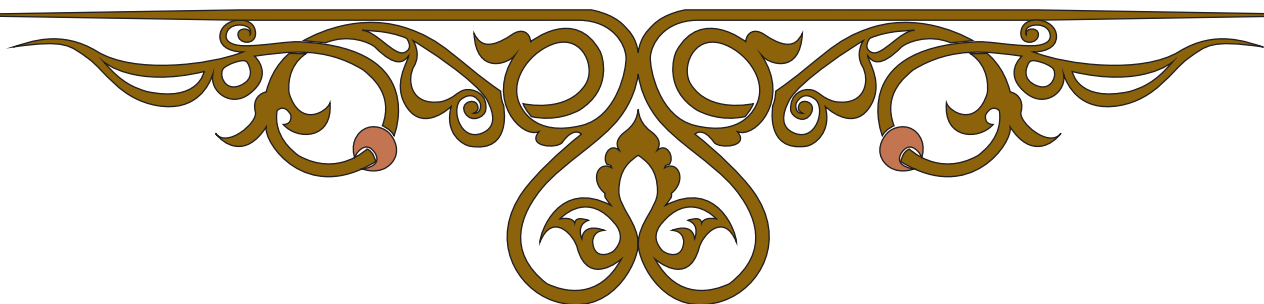


بار دیگر دانشگاهها آغاز به کار می‌کنند تا اساتید و دانشجویان با عزمی راسخ و با توکل بر خداوند متعال به مطالعه و تفکر در اوراق دیگری از کتاب آفرینش بپردازند و قطرات دیگری از دریای علم الهی را نوش جان کنند. بار دیگر اساتید و دانشجویان با شور و نشاطی جهادی، قصد پرداختن به امور آموزش، پژوهش و فرهنگ نموده‌اند تا بیش از پیش بر اقتدار و پیشرفت علمی، فرهنگی و اقتصادی نظام مقدس جمهوری اسلامی بیفزایند.

آغاز سال تحصیلی جدید، علاوه بر تقارن با هفته دفاع مقدس و یاد و خاطره شهدا و رشادتهای ایثارگران، مقارن با استمرار بیداری اسلامی ملتها و پیروزیهای بزرگ جبهه مقاومت بویژه در سوریه، عراق و غزه در ...
ادامه در صفحه اول



بیانیه بسیج اساتید دانشگاه به مناسبت آغاز سال تحصیلی



رشد چشمگیر علمی و ارتقاء رتبه علمی دانشگاه در سطوح منطقه‌ای و جهانی، گسترش کمی و کیفی آزمایشگاهها، بهبود وضعیت معیشت اساتید، دانشجویان و کارکنان، برگزاری و توسعه کرسیهای آزاداندیشی و بهبود فضای فرهنگی و اخلاقی دانشگاه بردارد. مسلماً با چنین تمهیداتی است که فضای عمومی دانشگاهها در سالهای پیش رو، آرام، دور از سیاست‌بازی، دور از مسائل ضدفرهنگی و در عین حال مملو از شور و نشاط و بالندگی علمی، پژوهشی و فرهنگی و آزاداندیشی خواهد شد. انشاء الله...

والسلام علیکم و رحمه الله. و برکاته
بسیج اساتید دانشگاه علم و صنعت ایران
مهر ۱۳۹۳

خامنه‌ای (مد ظله العالی) و صبر، وحدت و مقاومت امت اسلامی حاصل شدند. پیروزی‌هایی که بار دیگر ثابت نمودند عزت و اقتدار تنها با مقاومت و عزمی ملی و اعتقادی و نه با دل بستن و خیره شدن به مذاکرات با ظالمان و مستکبران شیطانی بدست می‌آیند.

فرار رسیدن بهار سال تحصیلی جدید را در سال اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی، به تمامی دانشگاهیان بویژه اساتید، دانشجویان و کارکنان دانشگاه تبریک عرض می‌نمائیم. امید است هر چه سریعتر فردی عالم، متعهد، ولایتمدار و دور از جریان فتنه و اصحاب آن در راس وزارت علوم، تحقیقات و فناوری انتخاب شود.

انتظار می‌رود مدیریت دانشگاه از دخالت و تاثیر افراد وابسته به اهل فتنه، هتاک به ارکان نظام و جریانهای غیر قانونی در امور دانشگاه جلوگیری نماید و از تبدیل دانشگاه

به باشگاه سیاسی مانع گردد. امیدواریم مدیریت دانشگاه گامهای بلندی به سمت اجرائی نمودن آئین‌نامه اسلامی شدن دانشگاهها، کاربردی و هدفمند نمودن پژوهش‌ها و پروژه‌ها،

من به جوانان عزیز کشورمان توصیه می‌کنم ... خودتان را برای یک مبارزه علمی و عملی بزرگ تا رسیدن به اهداف بزرگ انقلاب اسلامی آماده کنید. امام خمینی (ره)

بار دیگر دانشگاهها آغاز به کار می‌کنند تا اساتید و دانشجویان با عزمی راسخ و با توکل بر خداوند متعال به مطالعه و تفکر در اوراق دیگری از کتاب آفرینش بپردازند و قطرات دیگری از دریای علم الهی را نوش جان کنند. بار دیگر اساتید و دانشجویان با شور و نشاطی جهادی، قصد پرداختن به امور آموزش، پژوهش و فرهنگ نموده‌اند تا بیش از پیش بر اقتدار و پیشرفت علمی، فرهنگی و اقتصادی نظام مقدس جمهوری اسلامی بیفزایند.

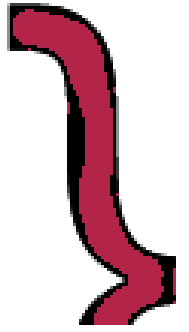
آغاز سال تحصیلی جدید، علاوه بر تقارن با هفته دفاع مقدس و یاد و خاطره شهدا و رشادتهای ایثارگران، مقارن با استمرار بیداری اسلامی ملتها و پیروزیهای بزرگ جبهه مقاومت بویژه در سوریه، عراق و غزه در فلسطین است. پیروزی‌هایی که در سایه اتکال به خداوند متعال، رهبریهای دایمانه رهبر فرزانه انقلاب حضرت امام





اقتصاد مقاومتی موثرترین راه رشد پایدار کشور

دکتر میر سامان پیشوایی pishvae@iust.ac.ir
 مهسا سلسبیل mahi.salimi@gmail.com



«دولت باید بسته‌ی سیاست‌های اقتصادی خود را با سیاست‌های اقتصاد مقاومتی تطبیق دهد و مواردی را که غیر منطبق با این سیاست‌ها است، حذف کند» (حضرت آیت الله خامنه‌ای، ۹۳/۶/۵). این جمله‌ای بود که مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای هیأت دولت بیان فرمودند. همچنین معظم له در دو سال اخیر، در سخنرانی‌ها و دیدارهای عمومی و خصوصی بر موضوع اقتصاد مقاومتی به عنوان موثرترین راه رشد پایدار کشور و مقابله با اقدامات خصمانه آمریکا و هم‌پیمانانش همواره تأکید ورزیده‌اند. برآنیم که در این نوشتار به اجمال مولفه‌های اقتصاد مقاومتی و تفاوت آن با پارادایم‌های حاکم بر مکاتب اقتصادی رایج را مورد مذاقه قرار دهیم.

یک الگوی بومی و علمی و برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی که همان اقتصاد مقاومتی است، ارائه داد، می‌توان بر همه مشکلات اقتصادی فائق آمده و الگویی الهام‌بخش از نظام اقتصادی اسلام را که متکی بر دانش و فناوری، عدالت بنیان، درون‌زا و برون‌گرا، پویا و پیشرو است، عینیت بخشید. البته باید اذعان کرد که مقاوم بودن و پایداری اقتصاد از الزامات استقلال همه کشورها است. در

عوام در حوزه‌های سیاسی و اجتماعی باور نداشته باشد. چند سالی است که موضوع اقتصاد و لزوم کسب توفیقات درخور نام انقلاب اسلامی در کشور عزیزمان ایران به عنوان یک ضرورت انکار ناپذیر مطرح می‌باشد که اندیشمندان فراوانی را به فکر و تحقیق در این زمینه واداشته است. اما علی‌رغم تلاش‌های چندباره همچنان نیاز به یک تحول بنیادین در این عرصه احساس می‌شود. در صورتی که بتوان

ایران اسلامی سرشار از استعدادهای معنوی، مادی، ذخائر و منابع غنی، زیرساخت‌های گسترده و نیروی انسانی متعهد و کارآمد در تمام عرصه‌های موجود است. در نیم قرن اخیر تاریخ ایران زمین، نقش‌آفرینی گسترده این نیروی انسانی (مردم) ایران در اتفاقات سیاسی اجتماعی چنان مایه فخر دوستان و یأس دشمنان بوده که دیگر کم‌تر کسی را می‌توان یافت که قدرت تأثیر گذار مردم اعم از خواص و



صورتی که به حوادث اقتصادی یک دهه اخیر و بحران های اقتصاد کشورهای شرق آسیا و کشورهای اروپایی توجه شود، این نتیجه به دست می آید که همه کشورها نیازمند اقتصادی مقاوم هستند. اقتصادی که با تکانه های مختلف متزلزل نشده و همچنان در مسیر توسعه و پیشرفت کشور حرکت کند. البته این موضوع برای کشوری همچون ایران که هم داعیه دار پیاده سازی احکام اسلامی است و هم از بیماری های مضمّن اقتصادی همچون وابستگی شدید به منابع حاصل از فروش نفت رنج می برد، اولویت خیلی بالایی دارد. در قرآن کریم نیز استقلال مسلمانان و عدم وابسته بودن ایشان در جمیع جهات مورد توجه ویژه ای قرار گرفته است به طوری که هر طرح، عهد نامه، رفت و آمد و قراردادی که راه نفوذ کفار بر مسلمانان را باز کند و استقلال ایشان را تحت الشعاع قرار دهد حرام است...» وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا* (سوره نساء، آیه ۴۱). شاکله این الگوی اسلامی و بومی باید بر پایه اصولی شکل بگیرد که در ادامه شرح مختصری از این اصول و چارچوبها داده می شود. این الگو کاملاً بر اساس فلسفه اسلامی و در

جامعه می باشد. یک تفاوت ظریف در این بخش تمایز بین اصطلاح مرسوم «بخش خصوصی» در نظام های اقتصادی غربی و عمدتاً مبتنی بر سرمایه داری و «متکی بر مردم» بودن در اقتصاد مقاومتی است. در نظام های اقتصادی متداول منظور از بخش خصوصی معمولاً شرکتها و در اغلب اوقات شرکتها و کارتل های بزرگ اقتصادی می باشند. نمونه های این شرکتها در اکثر کشورهای به اصطلاح پیشرفته مانند آلمان (مانند زیمنس)، کره جنوبی (مانند هلدینگ هیوندای و سامسونگ) و آمریکا (مانند وال-مارت و آی. بی. ام.) قابل مشاهده هستند. در چنین اقتصادهایی این شرکتها حکم لوکوموتیوهای پیشرفت اقتصادی کشورها را دارند و به طور معمول سود اقتصادی آنها در بین سهامداران آنها که بخش کوچکی از مردم را شامل می شوند، پخش می شود. به مرور زمان با بلوغ چرخه مالی این شرکتها یک جریان ثروت- قدرت بین شرکت های بزرگ و حتی ارکان سیاسی شکل می گیرد و در عمل طی یک فرآیند مستمر ثروت بین این بازیگران فزونی یافته و دست به دست می شود. این منطق با اصول اقتصاد

چارچوب اصول اقتصادی اسلام بنا شده است. بهره گیری هم افزا و به حق از انواع مکانیزها و عقود اقتصاد اسلامی و تاکید بر حاکمیت روح و باطن اصول و قواعد اقتصادی اسلام و نه تنها ظواهر آنها از جمله ویژگی ها ذاتی اقتصاد مقاومتی می باشد و هرگونه روابط اقتصادی در حیات اجتماعی از قبیل مشارکت تجاری، اقتصادی، بر مبنای همین اصل باید تنظیم شود. تکیه بر توان داخلی، یکی از دیگر ارکان سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی است که این موضوع در عرصه های مختلف مورد توجه بوده است. یکی از این عرصه ها، تکیه بر نیرو و سرمایه انسانی داخلی است. می توان گفت مشارکت مردم محوری ترین بخش این الگو و به عنوان یکی از پیشرانهای مهم به حساب می آید به گونه ای که ارزش آفرینی در اقتصاد مقاومتی متکی بر آحاد مردم





خلق‌کننده آن را فراهم می‌آورد. برای مشارکت اقتصادی مردم، بسترسازی مناسب و جلب اعتماد ایشان برای مشارکت دارای اهمیت فراوانی است و این مسئله مستلزم سالم‌سازی فضای کسب و کار، شفاف‌سازی اقتصادی و مبارزه با مفاسد اقتصادی می‌باشد. «امروز کشور ما تشنه‌ی فعالیت اقتصادی سالم و ایجاد اشتغال برای جوانان و سرمایه‌گذاری مطمئن است. و این همه به فضای نیازمند است که در آن، سرمایه‌گذار و صنعتگر و عنصر فعال در کشاورزی و مبتکر علمی و جوینده‌ی کار و همه‌ی قشرها، از صحت و سلامت ارتباطات حکومتی و امانت و صداقت متصدیان امور مالی و اقتصادی مطمئن بوده و احساس امنیت و آرامش کنند. اگر دست مفسدان و سوءاستفاده‌کنندگان

از امکانات حکومتی، قطع نشود، و اگر امتیازطلبان و زیاده‌خواهان پرمدعا و انحصارجو، طرد نشوند، سرمایه‌گذار و تولیدکننده و اشتغال‌طلب، همه احساس ناامنی و نومییدی خواهند کرد و کسانی از آنان به استفاده از راههای نامشروع و غیرقانونی تشویق خواهند شد. (حضرت آیت الله خامنه‌ای ۸۰/۲/۱۰) «مبارزه با مفاسد اقتصادی باید به صورت شفاف و روشنی انجام شود. این مسئله به همراه شفاف‌سازی اطلاعات اقتصادی در زمینه فرصتهای تولید و قیمت‌ها، اعتماد عمومی مردم را برای مشارکت و ارزش‌آفرینی جلب خواهد کرد.

یکی دیگر از ویژگی‌های این الگو، جریان تولید دانش در جامعه است که دیگر در انحصار نخبگان (به معنای بخش کمی از جامعه که معمولاً تحصیلات عالی دارند) نیست، بلکه دانش به طور اجتماعی تولید و به اشتراک گذاشته می‌شود و در یک فرآیند اجتماعی جهت اکتساب کاربرد مناسب و خلق ثروت تجاری‌سازی می‌شود. لذا وسعت نخبگان به اندازه تمام جامعه بوده و سعی بر آن است که ظرفیت و استعدادهای همه‌ی آحاد جامعه کشف و سپس بارور شود «الْإِنْسَانُ مَعَادِنٌ كَمَعَادِنِ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ» مردم مانند معادن طلا و نقره هستند (کافی، ج ۸، ص ۱۷۷). اصل مردمی بودن این اقتصاد باعث می‌شود که فعالیت‌های ارزش‌افزا و زنجیره تامین مواد مختلف در پهنه جامعه توزیع شود. لذا ایجاد اختلال از طریق عوامل طبیعی (مانند زلزله و خشکسالی) و انسانی (مانند تحریم و حملات تروریستی) در

چنین سیستمی که دارای تمرکز حداقلی است، بسیار سخت بوده و در صورت ایجاد هم دارای خسارات حداقلی است و در واقع یکی از مهمترین اهداف این الگو که دستیابی به آسیب‌پذیری حداقلی و استقلال حداکثری است، محقق می‌شود. یکی دیگر از اصول مهم این الگو در نظر گرفتن مصالح فردی و اجتماعی به

صورت همزمان است که عدم توجه به آن مقدمه‌ای خواهد شد برای طغیان در واردات برخی مواد از سرزمینهای بیگانه، و همچنین طغیان در مصرف. این مسئله به طور ویژه در امر تولید بسیار مهم جلوه می‌نماید که باید به کالاهای اساسی و ضروری که نیاز عموم جامعه را پاسخ می‌گوید، اولویت داده شده و از آنچه در راستای کمال انسان نبوده و آن را به سمت و سوی لهو و باطل سوق می‌دهد، جلوگیری شود. امام صادق (ع) می‌فرمایند: «... از اینجاست که خدا صنعتی را حرام کرده است که همه آن حرام است، و از آن چیزی جز فساد محض به دست نمی‌آید، همچون ساختن آنچه مایه لهو است و ساختن بتها و آنچه به اینها شباهت دارد مانند تولید خمر و نوشابه‌های الکلی - که نوشیدن آنها حرام است - و آنچه دارای فساد محض باشد، و هیچ‌گونه صلاحی در آن مشاهده نشود، فرا گرفتن و به دیگران آموختن و عمل کردن به این‌گونه چیزها و مزد گرفتن برای انجام آنها، و پرداختن به هر چه به آنها مربوط شود از هر جهت حرام است...».

در طرف مقابل تولید بحث مدیریت مصرف وجود دارد که از سطح بالای جامعه و دستگاه‌های دولتی تا سطح مصرف فردی مصداق پیدا می‌کند. در واقع می‌توان گفت یکی دیگر از ارکان اقتصاد مقاومتی، مدیریت مصرف و چگونگی استفاده از نعمات الهی است. خداوند جهان را مسخر انسان ساخته است تا بتواند از نعمتها در راستای نیل به صلاح و رستگاری خود

می‌توان گفت مشارکت مردم محوری‌ترین بخش این الگو و به عنوان یکی از پیشرانهای مهم به حساب می‌آید به گونه‌ای که ارزش‌آفرینی در اقتصاد مقاومتی متکی بر آحاد مردم جامعه می‌باشد. یک تفاوت ظریف در این بخش تمایز بین اصطلاح مرسوم «بخش خصوصی» در نظام‌های اقتصادی غربی و عمدتاً مبتنی بر سرمایه‌داری و «متکی بر مردم» بودن در اقتصاد مقاومتی است. در نظام‌های اقتصادی متداول منظور از بخش خصوصی معمولاً شرکت‌ها و در اغلب اوقات شرکت‌ها و کارتل‌های بزرگ اقتصادی می‌باشند. در مقابل «متکی بر مردم بودن» در اقتصاد مقاومتی به معنای مشارکت آحاد جامعه با واحدهای سرمایه و نیروی کار کوچک (در مقابل بلوک‌های بزرگ سرمایه در اقتصاد سرمایه‌داری) جهت خلق ارزش افزوده می‌باشد.

اقتصاد مقاومتی

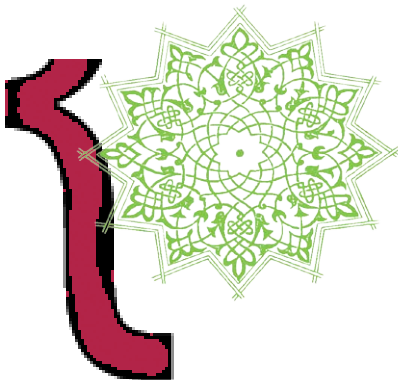


اسلامی را در زمینه‌ی مسائل اقتصادی برآورده کند؛ می‌تواند مشکلات را برطرف کند؛ درعین حال پویا هم هست؛ یعنی ما این سیاست‌ها را به صورت یک چهارچوب بسته و متحجر ندیده‌ایم، قابل تکمیل است، قابل انطباق با شرایط گوناگونی است که ممکن است در هر برهه‌ای از زمان پیش بیاید و عملاً اقتصاد کشور را به حالت «انعطاف‌پذیری» می‌رساند؛ یعنی شکنندگی اقتصاد را در مقابل تکانه‌های گوناگون برطرف می‌کند» (بیانات مقام معظم رهبری در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، ۹۲/۱۲/۲۰).

می‌گیرد. در مجموع می‌توان گفت اقتصاد مقاومتی الگویی است که دارای ارکان و اصول ثابت و مشخصی است که در پیاده‌سازی مصادیق مختلف باید مد نظر قرار گیرند. توجه به روح آموزه‌های اسلامی، تکیه بر مشارکت عموم مردم جامعه و ارزش‌آفرینی جمعی و غیرانحصاری، فرصت‌آفرینی‌های عادلانه، ایجاد فضای سالم کسب و کار و جلب اعتماد مردم، مدیریت مصرف و تکیه بر نیروهای داخلی برای دستیابی به رشد پویا و استقلال اقتصادی از جمله این ارکان و اصول می‌باشد که در حال حاضر نخبگان و اندیشمندان چه در سطوح دانشگاهی و چه در سطح عام جامعه باید در پی پیاده‌سازی الگوهای عملی با در نظر داشتن این اصول باشند.

«مجموعه‌ی سیاست‌های اقتصاد مقاومتی [هم] در واقع یک الگوی بومی و علمی است که برآمده‌ی از فرهنگ انقلابی و اسلامی ما است؛ متناسب با وضعیت امروز و فردای ما است. مربوط به وضع کنونی و شرایط کنونی کشور نیست، این یک تدبیر بلندمدت برای اقتصاد کشور است؛ می‌تواند اهداف نظام جمهوری

گام بردارد. «أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّيْلَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ...» (سوره جاثیه، آیه ۳۶) ولی در مقابل تعادل در بهره‌گیری از نعمات را از عوامل رشد و تلقی وی به حساب آورده است. از منظر اسلام رعایت دو عنصر محوری مطلوب است: سعی در تولید برای رفاه جامعه؛ قناعت در مصرف و مناعت طبع برای ترقی روح. در حال حاضر روح مصرف در جامعه ایران فاصله زیادی با آموزه‌های اسلامی داشته و از طرفی منافع ملی را به شدت تهدید می‌کند و برای دستیابی به یک اقتصاد مقاوم و پایدار باید بحث مصرف و تعدیل آن را بسیار مورد توجه قرار داده و همکاری گسترده‌ای میان دولت و مردم برای تحقق بخشیدن به این امر وجود داشته باشد. فرهنگ فعلی حاکم بر جامعه، ارج نهادن به تولیدات غربی می‌باشد که این مسئله در تضاد با تکیه بر توان داخلی است. علاوه بر استفاده متعادل از نعمات الهی باید توجه داشت که مصرف چه نوع کالاهایی در راستای تأمین منافع ملی خواهد بود و اینجاست که مصرف کالاهای تولید شده توسط نیروی انسانی داخلی در اولویت قرار





آیا این ظلم به دانشگاه و دانشگاهیان علم و صنعت نیست؟

نویسنده: یکی از اساتید دانشگاه علم و صنعت ایران

باشند»، حال سؤال این است: کدام یک از این افراد جدید الانتصاب در توسعه و پیشرفت دانشگاه علم و صنعت، به اندازه ارزی نقش داشته‌اند؟

۱۰- آیا نمی‌توان ادعا کرد که بعضی از این افراد تاکنون حتی به دانشگاه علم و صنعت نیامده‌اند یا اگر آمده‌اند در حد حضور در جلسه‌ای یکی دو ساعته بوده است؟

۱۱- اصلاً چند نفر از دانشگاهیان علم و صنعت این افراد را از نزدیک می‌شناختند؟

۱۲- در تبصره ماده ۱ قانون فوق الذکر آمده است: «حداقل دو تن از شخصیت‌های بند ج باید از اعضای هیات علمی دانشگاهها باشند.» سؤال این است آیا این تبصره رعایت شده است؟ چگونه؟ قانون مداری کجا رفت؟

۱۳- آیا کسانی که با مقررات علمی و پژوهشی دانشگاه آشنا نیستند و هیچ تجربه‌ای در این زمینه ندارند، می‌توانند وظایف هیات امنای دانشگاه بزرگی مثل علم و صنعت را به سرانجام برسانند؟

۱۴- آیا اعتبار دانشگاه به هیات امنای آن نیست؟ در این صورت آیا اعتبار دانشگاه از مسیر علمی و پژوهشی و آموزشی به سمت اعتباری سیاسی سوق پیدا نمی‌کند؟

۱۵- آیا یک مهندس و لیسانس می‌تواند در مورد امور دانشگاهی که بیش از نصف فعالیت آن در حوزه تحصیلات تکمیلی است، اظهار نظر نماید و سکانداری کند؟

اساتید برجسته و صاحب نام علمی و اجرائی، حتی با سلیقه سیاسی خاص، وجود ندارد که صلاحیت عضویت در هیات امنای را داشته باشند؟

۳- آیا اداره دانشگاه و تصمیم‌گیری برای دانشگاه نیازمند افراد علمی برجسته و صاحب نام نیست؟

۴- آیا قرار است در دانشگاه فقط سیاسی کاری شود که افراد سیاسی به افراد علمی و پژوهشی ترجیح داده شده‌اند؟

۵- آیا در میان فارغ التحصیلان دانشگاه علم و صنعت در سراسر کشور یک نفر هم پیدا نمی‌شود که صلاحیت عضویت در هیات امنای دانشگاه را داشته باشد و عرق و حمیت علم و صنعتی او هم زیاد باشد؟

۶- آیا دانشگاههای شریف و امیرکبیر و شهید بهشتی رقیب دانشگاه علم و صنعت نیستند؟ در این صورت آیا فارغ التحصیلان آنها در این رقابت، در جایگاه هیات امنای دانشگاه علم و صنعت، کدام طرف را تقویت خواهند کرد؟

۷- آیا این انتصابات، توهین به علم و صنعتی‌ها محسوب نمی‌گردد؟ آیا این انتصابات تحقیر دانشگاه علم و صنعت نیست؟

۸- آیا عدم استفاده از اساتید با درجه علمی استادی در هیات امنای دانشگاه به منظور تکریم علم و معرفت و پژوهش مناسب‌تر نبود؟

۹- در بند ج ماده ۱ قانون تشکیل هیات‌های امنای دانشگاهها، در مورد ترکیب هیات امنای آمده است: «۴ تا ۶ تن از شخصیت‌های علمی و فرهنگی و یا اجتماعی محلی و کشوری که نقش مؤثری در توسعه و پیشرفت مؤسسه مربوط داشته

اخیراً اعضای هیات امنای دانشگاه توسط وزیر قبلی علوم انتخاب و منتصب شدند. مرور اسامی و سوابق کاری این افراد، چنین انتصباتی را شایسته تأمل می‌نماید. چهار نفر از این افراد عبارتند از:

- مهندس نصراله جهانگرد (لیسانس کامپیوتر از دانشگاه شهید بهشتی با سابقه عضویت در دفتر تحکیم وحدت، عضو دفتر سیاسی نخست وزیری، مؤسس و عضو جبهه منحل مشارکت، عضو دفتر سیاسی جبهه مشارکت، سرپرست سه ماهه وزارت ارتباطات با عدم کسب رأی اعتماد مجلس برای وزارت، معاون وزارت ارتباطات و)

- اکبر ترکان (مهندس مکانیک از دانشگاه شریف، عضو و مؤسس حزب اعتدال و توسعه، وزیر دفاع، معاون وزیر نفت، معروف به ابو مشاغل دولت یازدهم و)

- محمد رضا تابش (لیسانس منابع طبیعی!!، رئیس فراکسیون اصلاح طلبان مجلس، خواهر زاده خاتمی و)

- همایون حائری خیابانی (مهندس برق از دانشگاه تبریز، مدیر عامل توانیر و)

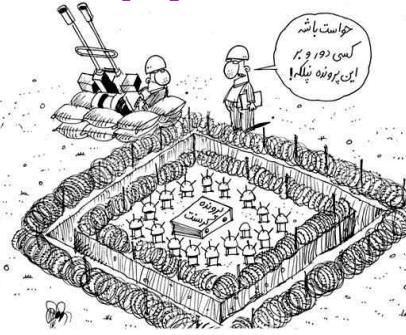
با تعمق در سوابق این افراد، ضمن احترام به شخصیت ایشان سؤالات زیادی در مورد انتصاب آنان در این مسئولیت، به ذهن متبادر می‌شود. از جمله:

۱- از آنجا که افراد انتخاب شده فوق نه تنها از سابقه فعالیت علمی و دانشگاهی خاصی برخوردار نیستند، بلکه عمدتاً سابقه سیاسی آنها شهرت دارد، آیا شائبه انتخاب کاملاً سیاسی القا نمی‌شود؟ لذا خدا می‌داند دانشگاه علم و صنعت را یکجا خواهند برد!

۲- آیا در دانشگاه علم و صنعت



ماجرای کرسنت به زبانی ساده



سال‌هاست که هر از گاهی کلمه «کرسنت» در گوشه و کنار رسانه‌های ایرانی خودنمایی می‌کند ولی عموم مردم اطلاع چندانی از آن ندارند و از یکدیگر می‌پرسند که این عبارت چه معنایی دارد؟! شاید علت اصلی این بی‌اطلاعی عمومی نیز خواست مقامات وزارت نفت باشد. اما واقعا ماجرای کرسنت چیست؟! قرارداد «کرسنت» یک قرارداد فروش نفت و گاز ایران به یک شرکت اماراتی است که در اواخر دولت سید محمد خاتمی و توسط وزیر نفت او یعنی همین مهندس زنگنه، که اکنون نیز مجددا وزیر شده است، امضا شده است. مشکل این قرارداد این بود که محصولات را به بهای بسیار اندک و با شرایطی کاملا یکطرفه و به نفع طرف مقابل باید به فروش می‌رساندیم. پس از مدتی مشخص شد علت اصلی امضای این قرارداد ننگین و یکطرفه، فساد مالی برخی از مدیران و مسئولین نفتی و رشوه‌ای است که از طرف اماراتی این قرارداد گرفته شده است. مفاد اصلی این قرارداد به شرح زیر است:

مدت قرارداد ۲۵ سال بین ایران و امارات (به عبارتی دقیق‌تر بین شرکت ملی نفت ایران و شرکت نفت کرسنت امارات است در دو مرحله: مرحله اول ۷ سال و مرحله دوم ۱۸ سال).

فروش نفت و گاز جمهوری اسلامی ایران با شرایط زیر صورت خواهد گرفت:

در ۷ سال ابتدایی قرارداد قیمت هر بشکه نفت ۱۸ دلار

در ۱۸ سال باقیمانده قیمت هر بشکه نفت ۴۰ دلار که در این زمانها امکان افزایش قیمت ها وجود ندارد!!! (این در حالی است که امروز قیمت هر بشکه نفت نزدیک به ۱۰۰ دلار است یعنی حدود ۵.۵ برابر قیمت مندرج در قرارداد!!!!!! و این یعنی یک ضرر هنگفت به اقتصاد ملی)

مقابل یعنی اماراتی‌ها پیروز شود، جمهوری اسلامی ایران نه تنها باید به قیمت فاجعه باری گاز بفروشد؛ بلکه باید «میلیاردها دلار» بابت غرامت عدم اجرای توافقنامه هم به طرف مقابل بپردازد!!!!!! رقمی که تخمین زده می‌شود تا «۳۰ میلیارد دلار» نیز برآورد شده است؛ یعنی چندین و چند برابر پولی که دولت یازدهم پس از مذاکرات ژنو و با تعلیق فعالیت‌های هسته‌ای کشورمان دریافت کرده است (قابل توجه آنکه هر یک میلیارد دلار معادل همان سه هزار میلیارد تومان کذائی می‌شود). اکنون، ظاهرا دولت و شخص رئیس جمهور دو راه بیشتر ندارد:

۱- یا باید بپذیرد مدیران نفتی فعلی اش در ماجرای قرارداد کرسنت فساد کرده‌اند و آنها را برکنار کند و بر همین مبنا در دیوان لاهه دعوی خود را ادامه دهد.

۲- یا اینکه مبلغ هنگفت میلیارد دلاری به کشور ضرر بزند.

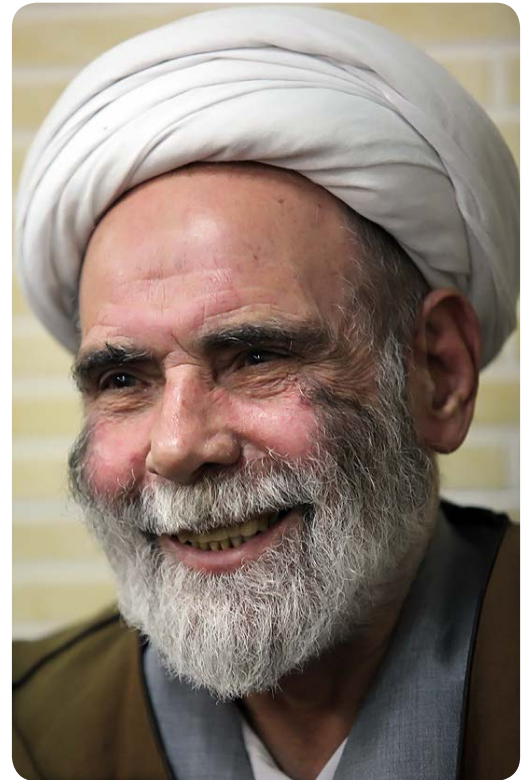
فرصت ارائه لایحه به دیوان بین‌المللی لاهه تا چند وقت دیگر به پایان می‌رسد و دولت فعلا امروز و فردا می‌کند!!! به نظر می‌رسد که یکی از مهمترین چالش‌های پیش روی دولت در ماه‌های آینده را باید ماجرای کرسنت دانست که می‌تواند مبداء خیلی از اتفاقات باشد. البته جالب اینجاست که امضا کننده اصلی قرارداد کرسنت، جزو اولین افرادی بود که آقای زنگنه به سمت مدیر عامل شرکت ملی نفت منصوب کرد. اکنون شاید بهتر بتوان علت نگرانی و عصبانیت برخی مسئولان دولتی از فعالیت رسانه‌ای حول پرونده کرسنت را درک کرد.

به نظر می‌رسد مدیران کرسنت با به‌کارگیری دلان ایرانی مورد وثوق مدیران در دوره انعقاد قرارداد کرسنت، که امروز به لطف دولت یازدهم مجددا بر کرسی قدرت تکیه زده‌اند، تصمیم دارند مسیر را برای رتق و فتق مجدد پرونده به نفع طرف اماراتی رقم زنند. به نوعی می‌توان گفت کرسنت مسیر را به نحوی چیدمان کرده که ایرانیان میان دو گزینه تن دادن به جریمه هنگفت میلیارد دلاری یا سازش با اماراتی‌های خوش‌اشتها مخیر به انتخاب یکی باشند. یادآور می‌شود قرارداد یاد شده با مساعدت و دلالتی برخی مدیران ارشد وزارت نفت در دولت اصلاحات منعقد شده و از این نظر برخی از اظهارات همان مقامات مبنی بر مخالفت با بخور بخور و رانت و فساد قابل تأمل است.

در این زمینه پای برخی از مدیران نفتی دوره آقای زنگنه در میان است و همچنین آقازاده مشهور (مهدی ه.) و دوست عزیز او یعنی (عباس ی.پ) که البته به طور کلی این دو نفر معروفترین دلان نفتی دوره مدیریت زنگنه نیز به شمار می‌رفتند. جمهوری اسلامی ایران با اطلاع از این موضوع و پس از رسانه‌ای شدن جزئیات این قرارداد توسط روزنامه «کیهان»، در دوره ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد در دادگاه بین‌المللی لاهه طرح دعوی حقوقی کرد. در طرح دعوا آمده است که این قرارداد یکطرفه است و با فساد مالی و تبانی امضا شده و ما بر این اساس گاز نمی‌فروشیم. بر طبق دستور دیوان محاسبات کشور، این قرارداد از طرف ایران به صورت یک طرفه نادیده گرفته شد و تحویل نفت و گاز به طرف اماراتی متوقف گردید. در نتیجه شرکت کرسنت امارات نیز از ایران شکایت کرد. در دولت قبلی، جمهوری اسلامی ایران موفق به اثبات فساد در پرونده کرسنت شده است و اگر در دومین دور دادگاه نیز فساد مالی امضا کنندگان این قرارداد اثبات می‌شد، دادگاه لاهه به نفع ایران و به ضرر طرف اماراتی حکم می‌داد. اما دومین دور این دادگاه همزمان بود با برنده شدن آقای حسن روحانی در انتخابات ریاست جمهوری و متعاقبا معرفی مجدد و مصرانه!! آقای بیژن نامدار زنگنه از طرف وی در مجلس به عنوان وزیر نفت دولت یازدهم!!! نهایتا با کسب رای اعتماد پرحاشیه زنگنه و مجددا در دست گرفتن امور وزارت نفت توسط تیم زمان خاتمی، طرف اماراتی این بهانه را به دست آورد که «ادعای فساد و تبانی در عقد قرارداد دروغ است» چرا که امضاء کنندگان و مجریان وقت قرارداد کرسنت اکنون مدیران نفتی ایران هستند و در کشور خود و حتی مجلس شورای کشور خود نیز محکوم نشده‌اند. بر این اساس اگر ادعای حقوقی طرف



اهمیت تربیت فرزند در اسلام



روزمرگی چیزی است که در جامعه کنونی دچار آن شده ایم. روزمرگی دیگر در سبک زندگی ما در بیدار شدن از خواب، زمان غذا خوردن و رفت و آمد در شهر و حضور در سر کار در اکثریت ما رسوخ کرده است. حتی در بسیاری از روحيات مانند تربیت فرزند، بینش و هدف زندگی به شدت متاثر از جامعه می باشیم و در انتخاب مسیر خود به تبعیت از جامعه اطراف خود دچار روزمرگی شده ایم. در این میان مسئله تربیت فرزندان و رفتار در خانواده یکی از مهمترین عوامل در ایجاد یک جامعه الهی و زندگی پاک است. قصد داریم تا از مجموعه دروس اخلاقی آیت الله آقا مجتبی تهرانی (رحمت الله علیه)، که سالها امام جماعت مسجد جامع بازار تهران بود، در این زمینه در هر شماره بهره بگیریم.

اشتغال اصلی والدین باید تربیت فرزند باشد نه تأمین مادی او!



گاهی بعضیها می‌آیند پیش من صحبت‌هایی میکنند. به آنها می‌گویم چطور شد؟ تو خدا داشتی و نسبت به تو رازق بود آن وقت نسبت به این رازق نیست؟! بله؟! تو که هستی که خیال کردی رازق اینها هستی؟ تو که رازق او نیستی که! خیال کردی اگر تو مُردی خدا هم نعوذبالله می‌میرد؟

خدا که نمی‌میرد، او زنده است. بعضیها میخواهند آتیه فرزندانشان را تأمین بکنند. آن هم تا چند نسل!! اکثر شغلت را میگذاری برای دنیایش؟ نه! بیشترین همتت را برای دنیای او نگذار، بیشترین کار را بگذار روی بُعد معنوی انسانی او. تو اگر میخواهی نسبت به او غیرت به خرج دهی و از او بر محور محبت به او حفظ و حراست کنی، به این است که تو انسان باقی بگذاری و بروی، مؤمن بالله باقی بگذاری بروی، نه نعوذبالله یک حیوان چموش بگذاری و بروی. چون از آن طرف هم هست، حالا من فقط این سمت آن را وارد شدم که اگر فقط روی محبت حیوانی و غیرت حیوانی بخواهی کار کنی، نتیجه این می‌شود.

فرق بین غیرت حیوانی با غیرت انسانی و غیرت دینی در این است که اکثر همتت را برای این بگذاری. اگر بخواهید جامعه انسانی بشود، الهی بشود، باید روی غیرت انسانی جامعه کار کنید، روی غیرت دینی جامعه کار کنید. نه اینکه بارها بروید در کانال غیرت حیوانی و همیشه آن را پررنگ کنید و در نتیجه آنها تحت‌الشعاع قرار بگیرد که بعد نعوذبالله اگر غیرت دینی و انسانی آرام آرام از یک جامعه رخت برنندد، چیزی برای آن جامعه باقی نمی‌ماند. بدبختی جایی است که گرفتار این شود.

ما در معارفمان این را داریم که شما در ارتباط با خانواده‌تان، خاندانتان به طور کلی، بیشترین سعی و کوششتان را برای مسائل مادی او نگذارید! بلکه از این طرف بیشترین هم تو، تربیت او باشد. چون او ادامه‌ی وجود تو است، بقاء تو به بقاء انسانیت و معنویت اوست نه حیوانیت او. اگر او از بُعد انسانی اش تربیت بشود، از نظر بُعد معنویاش تربیت شود، این ادامه حیات انسانی توست، ادامه حیات معنوی تو است. لذا نه اینکه همتت را نگذار برای اداره مادی او؛ نه! بیشتر روی مسأله‌ی تربیتی تکیه داشته باش. در نهج البلاغه است که علی (علیه السلام) می‌فرماید:

لَنْ تَجْعَلَ لِنَ كَثْرَ أَكْثَرَ شَغْلَكَ بِأَهْلِكَ وَ وُلْدِكَ، فَإِنَّ يَكُنْ أَهْلَكَ وَ وُلْدَكَ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَوْلِيَاءَهُ

بیشتر مشغولیتات خویش را نسبت به خانواده و فرزندت قرار مده، چرا که اگر خانواده و فرزندت اولیاء خدا باشند، خدا آنها را فرو گذار نمیکند.

بیشترین مشغولیتات خودت را که در این عالم میخواهی کار کنی برای آنها، از نظر مادیشان قرار نده. بعد خیلی زیبا توضیح میدهد که این قبلی را روشن میکند که تو اگر بیایی کار کنی، بیشترین همت خودت را بگذاری برای اینکه اینها از دوستان خدا شوند، روی بُعد معنوی اینها کار کنی، پیوند اینها را با خدا محکم کنی، اگر این کار را بکنی، این را بدان خدا دوستانش را هیچ وقت و نامیگذار، رهایشان نمیکند. چقدر زیبا تفهیم میکنند. برو این فرزند و خانواده‌ها را ولیا لله بکن، وقتی این رابطه‌اش با خدا درست شد، غصه این را نخور، هیچ وقت مولا عبد را رها نمیکند.

اوقات زندگی در سبک زندگی اسلامی

یکی از مسائل مهم در سبک زندگی اسلامی، برنامه‌ریزی صحیح اوقات زندگی است طوری که هم به بعد مادی و هم بعد معنوی خود و خانواده بپردازیم. به عبارت دیگر، زندگی دنیوی آبادی را در مسیر رسیدن به زندگی اخروی آباد داشته باشیم. در این زمینه، امام کاظم علیه السلام می‌فرماید (تحف العقول، ص ۴۳۳): اجتهدوا فی ان یکون زمانکم اربع ساعات (سعی کنید اوقات خود را به چهار بخش تقسیم نمایید): ساعة لمناجاة الله (بخشی برای مناجات با خداوند متعال)، و ساعة لامرالمعاش (و بخشی را برای امرار معاش)، و ساعة لمعاشرة الاخوانو الثقات الذین یعرفونکم عیوبکم و یخلصون لکم فی الباطن (و بخشی را برای معاشرت با دوستان و افراد مورد اعتمادی که عیوب شما را بیان می‌کنند و باطن نسبت به شما خالصانه رفتار می‌کنند) و ساعة فیها للذاتکم فی غیر محرمو بهذه الساعة تقدرون علی الثلاث ساعات (و بخشی را برای لذات خود در امور حلال و با این بخش است که می‌توانید به سه بخش دیگر بپردازید).

بدون شرح:

انتصاب بستگان رئیس محترم جمهوری در یک سال اخیر



ردیف	نام	نسبت	منصب
۱	حسین فریدون	برادر	دستیار ویژه رئیس دولت
۲	اسماعیل سماوی	خواهر زاده	سه پست همزمان: سرپرست گروه مشاوران جوان، رئیس مرکز ارتباطات مردمی نهاد ریاست جمهوری و مشاور رئیس دفتر رئیس جمهور
۳	علی اصغر مونسان	خواهر زاده	مدیرعامل منطقه آزاد کیش
۴	علی اصغر بیوندی	پسر عمه	سرپرست دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی
۵	عبدالحسین فریدون	پسر عمو	مدیرکل وزارتی علوم و آموزش عالی و سرپرست مرکز جذب اعضای هیئت علمی این وزارتخانه
۶	اسدالله وطنی	شوهر خواهر	دبیر شورای عالی گزینش ریاست جمهوری

منتقدان در قاموس آقای روحانی:

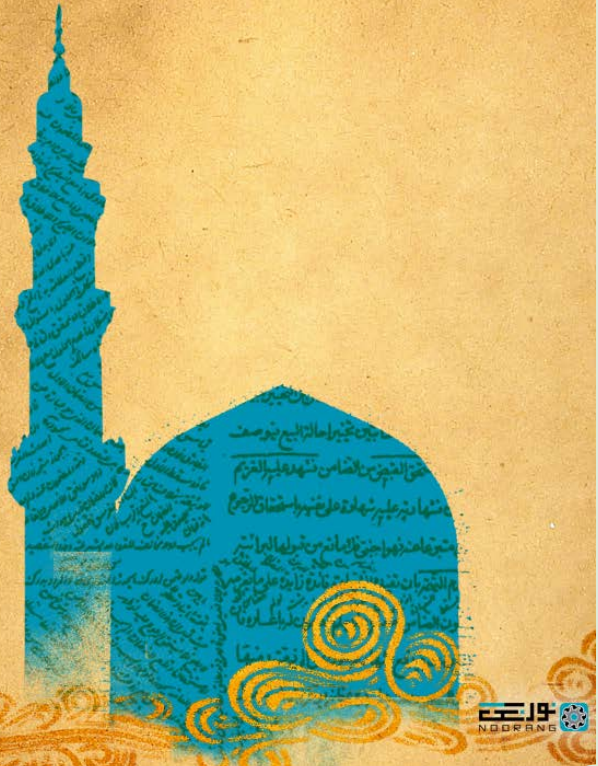
از مجموع سخنان آقای روحانی در مورد انتقاد از دولت ایشان چنین برمی‌آید که برای منتقدان شرائطی را قائلند. تعداد این شرائط روز به روز بیشتر می‌شوند و مرجع تشخیص آنها نیز عملاً خود ایشان هستند. ضمناً ایشان منتقدان موجود را دارای خصائصی می‌دانند که هر از گاهی تعدادی از آنها را بیان می‌فرمایند. اهم شرائط و خصائص (تا اوایل شهریور ۹۳) در جدول زیر آمده‌اند:

شرائط لازم برای منتقدان	خصائص منتقدان موجود
دارای شناسنامه باشند	عده‌ای معدود
نام جناح وابسته به آن را بگویند	تغذیه از جای معدود (پول بگیر به نقل از آقای نوبخت)
دنیا و منطقه شناس باشند	دوستدار تحریم
سیاست شناس باشند	دارای سلول‌های ساخته شده با شک
مشکل شناس باشند	مخالف تدریس زبان انگلیسی
مچ‌گیر نباشند	استفاده کننده از زور و شلاق (استفاده کننده از داغ و درفش به نقل از معاون امور زنان)
دولت را اذیت نکنند	متوهم و دائماً غصه‌خور
منصفانه، محترمانه و مودبانه نقد کنند	دین و آخرت شناس
تخریبگر دولت نباشند	کم سواد
	بزدل، ترسو و لرزان
	لایق جهنم
.....

ناگفته نماند معمولاً آقای رئیس‌جمهور در مواجهه با منتقدان با لحنی تند و عصبانی صحبت می‌کنند، حال آنکه در مواجهه با تخلفات و اهانت‌های کشورهای غربی و آمریکا به مردم ایران، با لبخند و ادبیاتی محتاطانه صحبت می‌کنند و حاضر به موضعگیری درخور آنها نیستند. آمریکا را کدخدا و اوباما را فردی مودب و باهوش خطاب می‌کنند. سفارش قرآن، اشداء علی الکفار رحماء بینهم است و بزرگانی همچون امام خمینی (ره) آمریکا را شیطان بزرگ خطاب کرده و می‌فرمایند آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند و شهید بهشتی می‌فرماید به آمریکا بگویید از ما عصبانی باش و از این عصبانیت بمیر.

جایگاه خدا در جهان

وجود و حضور خداوند در جهان آنقدر روشن است که گاهی همانند نور خورشید مورد غفلت ما انسانها قرار می‌گیرد. متأسفانه گاهی آنقدر در خود غرق می‌شویم و به خود مطمئن و غره می‌شویم که یادمان می‌رود خدائی هم در جهان وجود دارد و اوست که تدبیر امور همه چیز و همه کس را در دست دارد. در اینجا به طور بسیار خلاصه و با استفاده از آیات قرآن، چند شان مهم از شئون خداوند را جهت یادآوری جایگاه خداوند در زندگی‌مان متذکر می‌شویم.



- ۱- خالق جهان:
در درجه اول باید گفت که خداوند خالق تمام جهان اعم از آسمانها، زمین، انسانها، حیوانات، اجنه، فرشتگان و همه موجودات جاندار و بی‌جان است. در اینجا به چند نمونه از آیات قرآن در این زمینه اشاره می‌شود: **اللّٰهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ... (السجده/۴) - لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ (۴) - وَ اللّٰهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَّاءٍ ... (۴۵) - وَ الْجَبْنَ خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ مِنْ نَارِ السَّمُومِ (۲۷).**
 - ۲- مالک جهان:
خداوندی که خالق جهان است، بطور منطقی مالک آن هم می‌باشد. بارها تاکید شده است که هر چه در آسمانها و زمین (و بین آنها) وجود دارند، متعلق به خداوند است. عبارت «لَهُ (یا لِلَّهِ) مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ» بکرات در قرآن آمده است از جمله: **لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَمَا تَحْتَ الثَّرَى (طه/۶) - لِلّٰهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّ اللّٰهَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَمِيدُ (لقمان/۲۶)**
 - ۳- حاکم بر جهان:
خداوندی که مالک جهان است، بر جهان حکمرانی هم می‌کند. بارها تاکید شده است که حکومت آسمانها و زمین (و بین آنها) برای خداوند است. عبارت «لَهُ (یا لِلَّهِ) مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» بکرات در قرآن آمده است از جمله: **لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ (الحديد/۵) - ... وَ لِلّٰهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ (المائدة/۱۸) - لِلّٰهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا فِيهِنَّ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (المائدة/۱۲۰).**
 - ۴- عالم و ناظر بر جهان:
خداوندی که خالق جهان است، بطور منطقی عالم و ناظر بر تمام ارکان و جوانب آن هم می‌باشد. آیات زیادی تاکید دارند که خداوند به همه چیز آگاه و عالم است. عبارت «إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (و یا مشابه آن) به کرات در قرآن آمده است. همچنین عبارت «يَعْلَمُ مَا فِي
- و - لِلّٰهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ ... (البقره/۱۱۵).
همچنین سه بار تاکید شده است که همه موجودات از جمله انسانها و فرشتگان متعلق به خداوند هستند. **وَ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلٌّ لَهُ قَانِتُونَ (الروم/۲۶) - وَ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ عِنْدَهُ ... (الانبیاء/۱۹) - أَلَا إِنَّ لِلّٰهِ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ ... (یونس/۶۶).**
البته در مورد انسانها باید اضافه نمود که علاوه بر آنکه خداوند مالک آنها است، در نهایت به سوی او بازگشت هم خواهند داشت. در اینجا تنها به چند آیه در این مورد بسنده می‌شود. **... إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ (البقره/۱۵۶) - اللّٰهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (الروم/۱۱) - أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ (المومنین/۱۱۵) - هُوَ يَحْيِي وَ يُمِيتُ وَ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (یونس/۵۶).**
بعلاوه گروهی از آیات نیز بر این امر تصریح دارند که تمام «خزانه‌ها»، «کلیدها» و «لشگریان» جهان متعلق و نزد خداوند متعال است. از جمله: **... وَ لِلّٰهِ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ... (المنافقون/۷) - لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ... (الزمر/۶۳) و**



السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (و یا مشابه آن) چندین بار تکرار شده است. از جمله: يَغْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ يَغْلَمُ مَا تُسْرُونَ وَ مَا تُغْلِنُونَ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (التغابن/۴)، آنچه را در آسمانها و زمین است می‌داند، و از آنچه پنهان یا آشکار می‌کنید با خبر است و خداوند از آنچه در درون سینه‌هاست آگاه است). البته عبارات دیگری نیز که ناظر بر عالم بودن خداوند بر همه جهان است، وجود دارند. از جمله: هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ (الحشر/۲۲). قطعاً علم خداوند به «همه چیز» (كُلِّ شَيْءٍ) شامل همه موجودات، موضوعات و سوالات موجود در جهان آفرینش است. علم خداوند شامل تمام اشیاء و موجودات اعم از اتمها و مولکولها، انسانها و حیوانات، ستارگان و کهکشانها و ... و همچنین قوانین و روابط بین آنها است. به عبارت دیگر، علم خداوند تمامی علوم طبیعی اعم از علوم انسانی، پزشکی، ریاضی، فیزیک و مهندسی را هم در بر می‌گیرد.

بعلاوه، خداوند ناظر بر اعمال و رفتار و کردار تمامی موجودات بویژه انسانها می‌باشد. آیات زیادی به این امر اشاره دارند. از جمله: ... وَ اللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا تَعْمَلُونَ (آل عمران/۹۸) - ... إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا (النساء/۳۳) - ... وَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ (البروج/۹).

۵- پروردگار موجودات:

خداوندی که خالق و مالک جهان است، مدام قصد تربیت و پرورش مخلوقات و بویژه انسانها را دارد تا آنها را به کمال برساند. از اینرو خداوند مربی و پروردگار

هم می‌باشد. بارها عبارات «رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَرَبِّ الْأَرْضِ» و «رَبِّكُمْ» که بیانگر این معنا هستند، در قرآن آمده‌اند. از جمله: فَلِلَّهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَرَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (الجاثیه/۳۶) - اللَّهُ رَبُّكُمْ وَ رَبِّ آبَائِكُمُ الْأُولِينَ (الصافات/۱۲۶).

۶- معبود موجودات:

همه موجودات جهان خالق خود یعنی خداوند متعال را عبادت می‌کنند. این عبادت در پنج شکل تسبیح، سجده، حمد، نماز و دعا متجلی است. در اینجا چند نمونه از آیاتی که به این موضوع اشاره دارند، آورده می‌شود: يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ ... (الجمعه/۱) و التغابن/۱) - وَ لِلَّهِ يَسْجُدُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ ... (النحل/۴۹) - ... وَ إِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يَسْبُحُ بِحَمْدِهِ وَ لَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ ... (الإسراء/۴۴) - ... كُلُّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَ تَسْبِيحَهُ ... (النور/۴۱) - يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ... (الرحمن/۲۹). عبادات و تسبیح موجودات عموماً بصورت تکوینی بوده و به دو زبان «حال» یا «قال» و یا ترکیبی از هر دو می‌باشد. زبان «حال» همان بیان تبعیت از نظم و ثبات

و قوانین آفرینش و حکمت آفریننده و زبان «قال» همانند زبان انسانها ولی در حد شعور هر موجود است که عموم انسانها آن را درک نمی‌کنند، وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ ... (الإسراء/۴۴). البته باید گفت که خداوند غنی است و هیچ نیازی به عبادت موجودات ندارد و این موجودات هستند که فقیر هستند و برای بقاء و کمال خود نیاز به عبادت او دارند. ... فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ (آل عمران/۹۷) - ... إِنْ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ (الإبراهيم/۸) - ... وَ مَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَ مَنْ كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ (النمل/۴۰) - يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَ اللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ (فاطر/۱۵).

نتیجه: در انتها چنین می‌توان گفت که خداوند متعال خالق جهان از جمله ما انسانها است، مالک جهان از جمله ما انسانها است، حاکم بر جهان از جمله ما انسانها است، عالم و ناظر بر جهان از جمله ما انسانها است، رفتار و افکار ما انسانها است، پروردگار جهانیان بویژه ما انسانها است و همه موجودات جهان، علیرغم بی‌نیازی او، او را عبادت می‌کنند.





سه دروغ بزرگ

چندی پیش نامه‌ای با عنوان کانون صنفی اساتید منتشر شد. متأسفانه در این نامه سه دروغ بزرگ به چشم می‌خورد.

۱- هشت سال از تاسیس کانون می‌گذرد! حال آنکه چنین تشکلی توسط هیچ مرجع قانونی به ثبت نرسیده است.

۲- این کانون بیش از ۲۰۰ عضو دارد! این عدد یعنی دو سوم اساتید با سابقه دانشگاه!!!

۳- این تشکل غیر سیاسی است! این ادعا هم در مقام نظر و هم مقام عمل دروغ است. در مقام نظر آنکه اگر هدف از تشکیل کانون مسائل رفاهی، آموزشی، پژوهشی یا حقوقی اساتید باشد، آنها را بترتیب اداره رفاه، معاونت آموزشی، معاونت پژوهشی و بخش حقوقی دانشگاه عهده‌دار هستند. پس تنها جای امور سیاسی خالی می‌ماند. اما در مقام عمل آنکه افراد موثر و پیگیران، افرادی کاملاً سیاسی هستند. افرادی که علاوه بر چنین دروغهائی، حاضر شدند حتی از دروغ بزرگ تقلب و ایجاد فتنه در کشور استفاده کنند تا شاید به اهداف سیاسی خود برسند.

حکم هتاک

باخبر شدیم که موضوع یکی از دو فرد هتاک به ارکان نظام در هیئت تخلفات وزارت علوم بررسی شده و منجر به صدور حکم اخراج وی شده است. این مطلب حتی در سخنان وزیر سابق هنگام استیضاح هم اشاره شد. آنچه جای سوال دارد آنکه چرا در اجرای این حکم قانونی تعلل می‌شود؟!

هیئت ممیزه

باخبر شدیم معدل کارشناسی دو تن از افراد هیئت ممیزه جدید یک دانشگاه بزرگ زیر ۱۴ است. این افراد محترم در دوره اصلاحات استخدام شده‌اند. معدل یکی از آنها زیر ۱۳ است و جالبتر آنکه وی در رای گیری انجام شده نفر دوم بین دانشیاران بوده است حال آنکه نفر اول فردی مقبول بین اساتید دانشکده است. قطعاً انتظار آن است که برای شوراهای تخصصی و تصمیم‌گیر مانند هیئت ممیزه از شایسته‌ترین افراد علمی یک دانشگاه استفاده گردد.

تا به کجا؟

خبر داده‌اند در یکی از دانشکده‌ها که اذیت اساتید جوان را بطرق مختلف در دستور کار خود دارد، اتفاقات سبک و ناجوانمردانه‌ای در حال وقوع است. بعنوان مثال درسی سه واحدی را که اساتید جوان چندین ترم بخوبی ارائه کرده‌اند، این ترم به یک مربی محترم (مهندس) بازنشسته داده‌اند. البته او هم از یک جریان سیاسی خاص است.





بنام خداوند شور آفرین
خداوند والفجر و فتح المبین

خداوند آنها که پرپر شدند
شب آتش و خون کبوتر شدند

خداوند موسی ، خداوند نوح
خداوند شبهای فتح الفتوح

خداوند مردان اهل نبرد
خداوند غیرت، خداوند درد

بنام خدایی که نور آفرید

شب حمله عشق و غرور افرید

ندارد جهان این چنین گوهری
همانند شیرودی و کشوری

خوشا یاد خرازی و کاظمی
خوشا شور آوینی و عاصمی

خوشا عزم همت به دل داشتن
به جان بیرق خون برافراشتن



بنام شهیدان والفجر هشت
دلاور نشانان دریا و دشت

بنام شهیدان بدر و حنین
شهیدان یا فاطمه یا حسین!

همانها که رفتند تا ما شویم
برای لب تشنه دریا شویم

خداوند گردان قایق سوار
خداوند شیران شب زنده دار

بنام خداوند حال و قدیم
خداوند شبهای هورالعظیم

خداوند دستان ذکر و دعا
خداوند مجنون خیبر گشا

خدایی که شادی و غم آفرید
محرم نوشت و علم آفرید

سفرنامه کربلا را سرود
بدنهای از تن جدا را سرود

خدایی که در قلب ما جان نوشت
معمای عشقی چو چمران نوشت



«خوشا یادی از آن همه یادها
شب قصر شیرین و فرهادها»

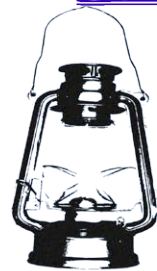
خوشا نور عشقی که شد منجلی
خوشا رمز یا فاطمه یا علی!

خوشا یادی از کربلای چهار
خوشا آن همه عاشق بی مزار

علی صولتانی شهادت طلب
غیوران یکرنگ زهرا نسب



فلا مقبله



شما ای همه منتشر در زمین!
بدنهای مجروح میدان مین!

شماها، رها در مسیری زلال
و ما غرق گردایی از قیل و قال

شما مرد میدان و مرد نبرد
مریدان عشق و رفیقان درد

شما عاشقان به دریا زده
قدم بر مدار خطرها زده

شما شهره در پهنه ی آسمان
ولی در زمین همچنان بی نشان

شما لاله هایی رها در بهشت
و ما خسته گان راهی سرنوشت

شما آن سوی سنگر و خاکریز
و ما غرق پست و گرفتار میز



بخشید اگر نامتان برده ام
من امروز زخمی نمک خورده ام...



نبا نشریه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و علمی بسیج اساتید
دانشگاه علم و صنعت ایران

صاحب امتیاز: بسیج اساتید دانشگاه علم و صنعت ایران

مدیر مسئول: حسین صالح زاده

سردبیر: محمد خلیج امیرحسینی

مطالب منتشر شده در نشریه لزوماً موضع بسیج اساتید دانشگاه
نیست.

نشریه نبا از هرگونه انتقاد، پیشنهاد یا مطالب ارسالی دانشگاهیان محترم
به ویژه اساتید محترم استقبال می کند. جهت ارسال مطالب خود، آنها را به
آدرس الکترونیکی naba@iust.ac.ir بفرستید.

